


Comparative recognition of indicative processing of the interpretations of mystics in the interpretation of "Ruh Al-Ma'ani"

Sayedmahdi Rahmati ¹ | Fateme Hajiakbari ² | Fardin Jamshidimehr ³

1. Corresponding Author, Assistant Professor, of Theology Department (Quran and Hadith Sciences) University of Gonbad Kavous, Iran. E-mail: rahmati@gonbad.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, E-mail: f.hajiakbari@kub.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Theology Department (Philosophy) University of Gonbad Kavous, Iran, E-mail: f.jamshidi@gonbad.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 22 October 2023 Received in revised form: 1 November 2023 Accepted: 16 December 2023 Published online: 7 January 2024</p> <p>Keywords: Ashari Tafsir, Irfan, Alosi, Ruh al-Manani, mystical Tafsir</p>	<p>Understanding the nuances of the meaning of the Holy Quran in all areas of the guidance of the Word of Revelation with the scope of beliefs, rulings, morals and personal and social issues is a comprehensive effort by Muslim scholars. The efforts that are sometimes done independently and under the title of "commentary" and sometimes crystallized in moral and mystical works. The current library research, which is organized in a descriptive-analytical way, by examining the interpretation of "Ruh al-Ma'ani" as one of the valuable interpretations of the later centuries of Islam with a comprehensive approach and significant indicative effects, the subject of how to reflect and explain the interpretations. Arifane is followed by Alousi. The findings of the research indicate that the allusive processing of the interpretation of the mystics in the interpretation of this exegete related to Naqshbandiyya has been done in both explicit and implicit ways. The first form is the report and analysis of the sayings of the elders of Sufism and Islamic mysticism with the focus on "Mohiyeddin Ibn Arabi, Sahl Testari and Abu Bakr al-Shabli" and the use of the key words of mystics such as "love, dignity, inspiration, discovery" and its expression during the interpretation of related verses. The implicit manifestation of processing the spirit of meaning is also devoted to the interpretation of Quranic vocabulary in a signification way, relying on the meanings of "alliance, seat, soul, lordship" and explaining some verses of the Holy Quran with a signification approach.</p>
<p>Cite this article: Rahmati, S.M, Hajiakbari, F, & Jamshidimehr, F. (2023). Comparative recognition of indicative processing of the interpretations of mystics in the interpretation of "Ruh Al-Ma'ani". <i>Studies in Comparative Religion and Mysticism</i>, 7 (2), 17-40 DOI: 10.22111/jrm.2024.47473.1154</p>	
	© The Author(s). DOI: 10.22111/jrm.2024.47473.1154
Publisher: University of Sistan and Baluchestan	

بازشناسی تطبیقی پردازش اشاری تفاسیر عارفان در تفسیر روح المعانی

سید مهدی رحمتی^۱ | فاطمه حاجی اکبری^۲ | فردین جمشیدی مهر^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه گنبد کاووس، ایران. رایانامه: rahmati@gonbad.ac.ir
۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران. رایانامه: f.hajiakbari@kub.ac.ir
۳. استادیار، گروه الهیات دانشگاه گنبد کاووس، ایران. رایانامه: f.jamshidi@gonbad.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۳۰</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۸/۱۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷</p> <p>واژه‌های کلیدی: تفسیر اشاری، عرفان، آلوسی، روح المعانی، تفسیر عرفانی</p>	<p>دریافت لطایف معنایی قرآن کریم در تمام عرصه‌های هدایتی کلام وحی با گستره‌ی اعتقادات، احکام، اخلاق و مسائل فردی و اجتماعی کوششی فراگیر از سوی دانشمندان مسلمان است. تلاش‌هایی که گاه به صورت مستقل و در عنوان تفسیر انجام گشته و گاه در خلال آثار اخلاقی و عرفانی متبلور شده است. تفسیر روح المعانی به عنوان یکی از تفاسیر ارزشمند سده‌های متأخر اسلام با رویکرد جامع و جلوه‌های اشاری قابل توجه است. نسبت صوفیانه به آلوسی، تأثیر باورهای صوفیانه او در تفسیر روح المعانی، جایگاه تفسیر او در میان تفاسیر قرآن، تأثیری که تفاسیر پس از او از روح المعانی پذیرفته‌اند و کاربرد رویکرد صوفیانه در تفسیر او، مطالعه روی این تفسیر با نگاه تأثیرپذیری از رویکرد صوفیانه را ضروری می‌کند. بررسی‌هایی که بر تفاسیر انجام می‌شود در دو قالب بررسی پیشاتفسیری و از نوع روش تفسیری، منبع و مبانی در تفسیر و مسائلی از این دست است. گونه دیگر بررسی محتواهای تفسیری است. نوشتار پیش رو که موضوع بازشناسی پردازش اشاری تفاسیر عارفان در تفسیر روح المعانی را دنبال کرده از جنس مطالعه نوع دوم است و قصد دارد تا چگونگی بازتاب و تبیین تفاسیر عارفانه توسط آلوسی را بررسی کند. در راستای این هدف با رویکردی توصیفی تحلیلی ابتدا شیوه‌های بیان اقوال عرفانی در تفسیر روح المعانی را استخراج می‌کنیم. پس از آن مفاهیم و اصطلاحات مهم نزد صوفیه را استخراج و بررسی می‌کنیم که کدام یک در تفسیر آلوسی به کار رفته و در آخر نیز خوانش آلوسی از این گزاره‌ها را بیان خواهیم کرد. در راستای رسیدن به این هدف گزاره‌هایی را توصیف و بخشی را تحلیل می‌کنیم.</p>

استناد: رحمتی، سید مهدی؛ حاجی اکبری، فاطمه؛ و جمشیدی مهر، فردین (۱۴۰۲). بازشناسی تطبیقی پردازش اشاری تفاسیر عارفان در تفسیر روح المعانی. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۷ (۲)، ۴۰-۱۷
DOI: 10.22111/jrm.2024.47473.1154



مقدمه

ابو الثناء شهاب الدین محمود بن عبد الله افندی آلوسی بغدادی، از مفسران شافعی مذهب صاحب‌نام قرن سیزدهم هجری (۱۲۱۷-۱۲۷۰ق) است (زرکلی، ۲۰۰۲: ج ۷، ص ۱۷۶) که در مسائل فراوانی پیرو ابوحنیفه بود و سرانجام روی به اجتهاد آورد. (ذهبی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۳۵۴) امین و مدرس مدرسه قادریه بغداد که توسط وزیر محمود افندی النقیب به سمت مفتی احناف بغداد برگزیده شد و سرانجام پس از هشت سال (۱۲۵۰-۱۲۵۸ق) از سوی وزیر عثمانی محمد نجیب پاشا عزل گردید. تفسیر گراسنگ «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی» حاصل دوران برکناری آلوسی از منصب افتاست. (محسن عبدالحمید، ۱۹۹۲: ص ۲۳) تفسیری که توسط نگارنده بر سلطان عبد الحمید خان عرضه شد، مورد توجه وی قرار گرفت و زمینه‌ساز ارتباط حداکثری آلوسی با دستگاه عثمانی و تکریم آن‌ها از او گشت. (شیخو، ۱۹۹۱: ص ۹۰) آثار متعددی از آلوسی برجای مانده که می‌توان آن را در بیست عنوان اصلی جای داد. کتاب‌هایی که گاه خود چندین جلد است و گاه تنها رساله‌ای مختصر به شمار می‌رود. (البیطار، ۱۴۱۳: ص ۱۴۵۴) اما در این میان مهم‌ترین اثر آلوسی که جلوه‌گاه توانمندی علمی و ادبی وی است تفسیر روح المعانی است. تفسیری جامع که نشان‌گر شخصیت علمی آلوسی و توانایی وی در شاخه‌های مختلف ادبی، علوم اسلامی با محوریت فقه و کلام (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۴۴۵-۵۵۲)، علوم عقلی و گاه دانش فلک و طب است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۲، ص ۱۲-۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴، ص ۳۳۷-۳۴۱) دائرة المعارف قرآنی که پس از تفسیر فخر رازی به شیوه‌ی کهن ظهور یافته و به گزارش اهل تحقیق دربردارنده گزیده دیدگاه‌های مفسران گذشته به همراه بررسی و نقد گسترده، فنی و دقیق آن‌هاست. آلوسی در میان تفاسیر پیش از خود، بیش از همه از تفاسیر مفسران مغرب اسلامی همچون ابن عطیه و ابوحیان و دیگر تفاسیر اسلامی با محوریت تفسیر کشاف، تفسیر ابو السعود، تفسیر ابن کثیر، تفسیر بیضاوی و بیش از همه از تفسیر فخر رازی بهره برده و گاه بخش‌هایی از دیدگاه‌های تفسیر رازی را نقد کرده است. (معرفت، ۱۳۷۹: ص ۳۰۱) روش آلوسی در کاربست اصول و قواعد تفسیری و طبقه‌بندی و ارائه علمی آموزه‌های تفسیری همان شیوه شناخته شده و علمی رایج میان مفسران اسلامی است. وی در بیان مفاهیم قرآنی از قرآن کریم، روایات اسلامی بهره جسته و نسبت به تبیین مفردات قرآنی و ارائه‌ی نکات بلاغی آیات اهتمام ویژه دارد. (محسن عبدالحمید، ۱۹۹۲: ص ۱۲۱-۱۲۵) یکی از نکات منفی تفسیر روح

المعانی، ستیغ تعصب او بر مذهب سلف و تاختن ناروای وی در مواضعی چند بر معتزله و شیعه (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۴؛ ۱۶۰/۱؛ ۹۴/۲۸) با هدف با محکوم نمودن اندیشه آنان است. (ذهبی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۳۵۸)

ویژگی ممتاز این تفسیر که شاید در نگاه نخست با روح سلفی حاکم بر این اثر ناسازگار بنماید تفسیر رمزی و عرفانی آیات قرآن پس از تفسیر ظاهری آن است. موضوعی که افزون بر اشارت دانشیان علوم قرآن (زرقانی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۸۲-۸۴؛ ذهبی، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷؛ زهد و الطوبی، ص ۲۶۳-۲۶۴)، اولین بار در مقدمه‌ی این تفسیر نمود یافته است. چه آلوسی در مقدمه‌ی روح المعانی پس از اشاره به روایتی از پیامبر (ص)، بر باطن داشتن آیات قرآن تأکید نموده و بر آن است که بهره‌ای اندک از عقل و ایمان، خواننده قرآن را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که کلام وحی افزون بر ظواهر ارزشمند خود، از ابعاد درونی و پنهانی برخوردار است که از سوی منبع فیاض الهی بر بندگان ارزانی می‌شود. آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۸-۹) او همچنین ابراز شگفتی می‌کند از کسانی که برای دیوان متنبی و ابیات آن باطنی قائل هستند اما هنگام بهره‌مندی از کلام خدا تنها به ظاهر آن بسنده کرده و خود را معانی محجوب در پس پرده‌ی الفاظ محروم می‌سازند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۲۰-۲۱)

با این وجود برخی سلفیان معاصر با گرایش وهابی، معتقدند که در آمدن آلوسی به طریق نقشبندی و تعظیم بزرگان صوفیه همچون ابن عربی، جیلی، جنید بغدادی و غیره همگی از سر تقیه انجام شده است. چراکه نگارنده روح المعانی به سبب حفظ جان و جایگاه خویش در برابر حاکمان ترک عثمانی که دل در گرو تصوف داشتند، ناچار بوده است که از بزرگان صوفیه به نیکی یاد کند. (بخاری، ۱۴۲۰، ص ۱۱۸-۱۲۸) باوری که گرچه از سوی برخی محققان آثار آلوسی به صورت کامل پذیرفته نشده (جنید، ۱۴۳۲، ص ۲۰۴-۲۰۹؛ محسن عبدالحمید، ۱۹۹۲، ص ۳۰۸-۳۰۹؛ حمدان، ۲۰۰۶، ص ۸۲-۸۷) اما به صورت تحلیلی و با تکیه بر تحلیل محتوای تفسیر روح المعانی به عنوان مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر آلوسی دنبال نشده است.

این درحالی است که گرایش اشاری در این تفسیر بر خواننده پوشیده نیست، او با وجود انتقاد از برخی اهل تصوف و منحرف خواندن آنان (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۷، ص ۴۰۵-۴۰۶؛ ج ۸، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ ج ۱۳، ص ۱۶۸) نیکان متصوفه را بزرگ داشته و به تناسب آیات، مطالبی مرتبط با سلوک

اخلاقی پسندیده از آثار تفسیری و گاه بزرگان و پیشوایان تصوف نقل کرده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۶۱؛ ج ۲، ص ۱۱۴؛ ج ۲، ص ۲۱۲؛ ج ۳، ص ۸۸؛ ج ۳، ص ۳۴۵؛ ج ۴، ص ۱۷۴؛ ج ۶، ص ۹۹؛ ج ۷، ص ۱۳۷؛ ج ۸، ص ۳۴۰؛ ج ۸، ص ۴۹۰؛ ج ۱۳، ص ۶۰-۶۱) آلوسی که خود وابسته به طریق نقشبندیه و از شاگردان مبرز ابوالبهاء خالد شهروزی معروف به مولانا نقشبندی است (الخان، ۱۹۹۷م: ۷۰۹) به دو شیوه‌ی آشکار و ضمنی به پردازش اشاری مصطلحات متصوفه در تفسیر خود پرداخته و این امر را در دو قالب سامان داده است. شیوه‌ی اول، گزارش و تحلیل اقوال بزرگان تصوف با محوریت «محبی الدین ابن عربی، سهل تستری و ابوبکر الشبلی» و کاربرد واژگان کلیدی صوفیان همچون «محبت، کرامت، الهام، کشف» و بیان آن به هنگام تفسیر آیات مرتبط می‌باشد. نمود دیگر، پردازش-گری و معناپردازی تلویحی مفردات قرآنی به شیوه‌ی اشاری با تکیه بر تعبیر «انفاق، کرسی، روح، ربوبیت» و تفسیر اشاری آیات در جایگاه‌های متعدد یافته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر شیوه‌های دوگانه آلوسی در پردازش اشاری مصطلحات متصوفه، پس از مروری بر پیشینه تحقیق در دو عرصه‌ی تحقیقات انجام یافته درباره آثار آلوسی و رویکرد اشاری در تفسیر قرآن کریم، به بیان مهم‌ترین مفاهیم به کار رفته در این تحقیق می‌پذیرد. در انجام نیز به گزارش نوآوری‌های اشاری این مفسر سلفی و بررسی و ارزیابی آن خواهد پرداخت. تا از یک سو به دنبال پاسخ به سلفیان وهابی معاصری باشد که وقوع تفسیر اشاری در روح المعانی و تعلق آلوسی به طریق نقشبندی را انکار کرده‌اند. و از سوی دیگر دریچه‌ای نوین را بر پژوهشگران عرصه‌ی عرفان در بازیابی اشارات صوفیانه در متون تفسیری بگشاید.

بیان مسأله

پژوهش‌های شکل گرفته پیرامون رویکرد صوفیانه در تفسیر آلوسی را می‌توان در دو ساحت پی‌جویی‌های پژوهشی در موضوع تفسیر اشاری و برداشت‌های صوفیانه از قرآن و جستارهای سامان یافته در حوزه دستیابی به دیدگاه‌های آلوسی دنبال کرد. در عرصه نخست، می‌توان به آثاری چند اشاره کرد که در آن به چند و چون تفسیر اشاری و تلاش‌های اهل تصوف و عرفان در تفسیر معجزه خاتم پرداخته شده است. در این زمینه تلاش‌های مهمی صورت گرفته که با نوشتار پیش رو بیشترین ارتباط را دارند. «نقد و بررسی تفاسیر صوفیانه قرآن» نوشته‌ی موحد از همین دست تلاش‌هاست. محقق در این اثر نخست به معرفی کتاب «تفاسیر صوفیانه قرآن» خانم کریستین سندز پرداخته و

در انجام نقد محتوایی و روش تدوین آن را عرضه کرده است (برای اطلاع بیشتر بنگرید به: موحدی، ۱۴۰۰، ص ۵۱۷-۵۳۲). تحقیق دیگر «بررسی انتقادی دیدگاه آیت الله معرفت پیرامون تفسیر عرفانی» است. پژوهشگر این تحقیق نخست دیدگاه آیت الله معرفت مبنی بر ذوقی بودن تفاسیر اشاری و از مقوله‌ی تفسیر به رأی بودن آنها را گزارش و در ادامه به ارزیابی و نقد آن می‌پردازد. وی بر آن است که بیان حکمی مطلق و فراگیر نسبت به تفاسیر عرفانی سخن ناصوابی است. چه بخشی از تفاسیر عرفا بیان معانی باطنی قرآن با استفاده از روش‌های متداول فهم بوده و تأویل قرآن، لزوماً از باب دلالت التزامی غیر بین نیست، بلکه غالباً به معنای باطن کلام وحی و گاهی جری و تطبیق است. اشارات و لطایفی که پس از تلاوت باطنی قرآن بر اهل معرفت وارد شده و در بیشتر موارد، هیچ پیش‌زمینه ذهنی پیرامون آن وجود نداشته تا از باب تداعی معانی به حساب آید (برای اطلاع بیشتر بنگرید به: مزربی، ۱۴۰۰، ص ۲۴۱-۲۶۲). نمونه پایانی این بخش «مبانی و مراحل تفسیر عرفانی قرآن کریم (با رویکردی به آرای علامه جوادی آملی)» است. محقق با تکیه بر آرای مفسر معاصر آیت الله جوادی آملی و کتاب «تفسیر انسان به انسان» به عنوانی اثری شایان توجه در حوزه‌ی معرفت‌شناسی انسان، به تبیین مبانی و مراحل تفسیر عرفانی قرآن پرداخته است. وی پس از یادکرد پیش‌فرض‌هایی همچون فهم‌پذیری، تشکیک‌پذیری و اصول و قواعد فهم قرآن، به بیان اهمیت مبانی وجودشناختی، معرفت‌شناختی، زبان‌شناختی و غایت‌شناسی پرداخته و در انجام بر روشمندی فرایند تفسیر عرفانی قرآن تأکید نموده است (رودگر، ۱۳۸۹، ص ۴۷-۷۴). آنچه در این آثار و پژوهش‌های مشابه آمده به طور کلی پیرامون تفسیر اشاری و صوفیانه است و به طور اختصاصی به تفسیر روح المعانی پرداخته نشده است.

سوی دیگر سابقه‌ی تحقیق، آلوسی است. مفسری که در جای جای تفسیر روح المعانی در اثبات مذهب فقهی و باور کلامی خویش و مردود نمودن آراء مقابل با مرکزیت شیعه و معتزله کوشیده است (بنگرید به: ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۵۶). از این رو دیگر مفسران و محققان نیز در مواضع متعددی از آثار خود به گزارش و نقد آراء وی پرداخته (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۹) و نگاشته‌های پژوهشی متعددی نیز با رویکرد تطبیقی در بررسی اندیشه تفسیری آلوسی با دیگر مفسران منتشر شده است (برای نمونه بنگرید به: رحمتی و دیگران، ۱۴۰۲). همچنی آثار همچون «سنجش و سازش دیدگاه فخر رازی و آلوسی در مسئله کلام الهی» (نوری و دیگران، ۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی آیه ولایت از

منظر آلوسی و علامه طباطبایی» (طیب حسینی و خادم‌زاده یگانه، ۱۳۹۹). «ارزیابی ادعای آلوسی در باب نسبت تحریف قرآن به شیعه از منظر آیت‌الله فاضل لنکرانی» (نجازادگان، ۱۳۹۸)، «تحلیل انتقادی آراء آلوسی در انکار براهین عقلی وجوب عصمت امام» (معارف و همکاران، ۱۳۹۴) از دیگر تلاش‌هایی هستند که نامشان، گویای محتوای متمایز از پژوهش حاضر را دارد.

با این وجود در میان آثار یاد شده آنچه بیش از همه با نوشتار پیش رو ارتباط دارد «رویکرد آلوسی به تفسیر عرفانی» است (فاسمپور، ۱۳۹۴، ص ۲۲۷-۲۴۳). نویسنده در این نوشتار پس از گزارش نشانه‌هایی از وابستگی آلوسی به مشرب عرفانی طریقت نقشبندی، به بیان مهمترین جلوه‌های رویکرد عرفانی در نگاه آلوسی می‌پردازد. او در این میان با تأکید حداکثری بر جایگاه ابن عربی در عرفان اسلامی به ارزیابی موضع آلوسی در برابر وی می‌پردازد. رویکردی که با وجود تعلق خاطر به ذوقیات عرفانی، دغدغه‌ی پایبندی به شریعت را داشته و گاه به نقد جدی ابن عربی و دیگر اهل عرفان می‌انجامد. باری بررسی و تحلیل آثار یاد شده نشان از آن دارد که مؤلفان و محققان این آثار، هر یک با توجه به رویکرد علمی و پژوهشی خود تنها بر موضوع اختصاصی و موردی تحقیق بسنده کرده و از زاویه‌ی خود به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند. همین امر سبب شده تا هنوز پرسش‌هایی درباره جایگاه تصوف در باورهای آلوسی و میزان تأثیر باورهای صوفیانه در تفسیر روح المعانی مطرح باشد. پرسش‌هایی همچون اینکه آیا می‌توان در تفسیر آلوسی نمودی از تفسیر اشاری و صوفیانه را مشاهده کرد؟ چه میزان تفسیر آلوسی از شیوه تفسیر اشاری صوفیانه تأثیر پذیرفته است؟ آلوسی از چه روش‌هایی برای گزارش دیدگاه‌های صوفیان پیش گرفته است؟ مفاهیم و اصطلاحات صوفیانه که در تفسیر آلوسی به کار رفته کدامند؟ خوانش آلوسی از این مفاهیم کدام است؟ و پرسش‌های دیگری از این دست که قرار است در این نوشتار به آن پاسخ گوئیم. برای این منظور ابتدا شیوه‌های بیان اقوال عرفا در تفسیر روح المعانی را استخراج می‌کنیم. پس از آن مفاهیم و اصطلاحات مهم نزد صوفیه را استخراج کرده و بررسی می‌کنیم که کدام یک در آلوسی به کار رفته و در آخر نیز خوانش آلوسی از این گزاره‌ها را بیان خواهیم کرد. در راستای رسیدن به این هدف گزاره‌هایی را توصیف و بخشی را تحلیل می‌کنیم.

۱. مبانی نظری بحث

پیش از آنکه به بحث از پردازش تفاسیر صوفیانه و کاربرد این رویکرد در تفسیر آلوسی بپردازیم لازم تا مشخص کنیم مراد از تفسیر اشاری مورد بحث در این نوشتار و تفسیر روح المعانی چیست؟ و هم اینکه چه ارتباطی میان رویکرد اشاری به کار رفته در تفسیر آلوسی با تفاسیر صوفیانه پیش از خود وجود دارد؟ این مسأله را در دو بخش بررسی خواهیم کرد.

۱-۲. تفسیر اشاری؛ چیستی و چگونگی

قرآن کریم در مسیر هدایت بخشی به خلق، در اوج صحت و استواری و با رساترین تعبیرهای ممکن، مقصود خود را بیان نموده است. با این وجود گرچه متن قرآن کریم در گذر عصرها، از هنگام نزول تا کنون، نزد همهی مسلمانان یکسان بوده و از دستبرد و تحریف مصون مانده اما فهم و تفسیر قرآن کریم، تاریخ پر فراز و نشیبی را سپری کرده است. (پورت، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۱؛ زرقانی: ۱۳۷۲، ج ۲، ص. ۲۳۴-۲۳۵) از این رو گستره مفاهیم و ژرفای معارف قرآن کریم و زبان چند سویه‌ی معجزه‌ی ماندگار اسلام، همواره مورد توجه و پی‌جویی اندیشمندان مسلمان بوده است. مقوله‌ای که در کنار گزاره‌های بیان‌گر ظاهر و باطن قرآن و اهمیت دریافت تنزیل و تأویل در آن، زمینه‌ی پردازش این متن مقدس را پر دامنه‌تر نموده و جریان‌های فکری متعددی را به وجود آورده است. امری که گرچه امکان بهره‌مندی هرچه بیشتر از دریای معرفت کلام وحی را فراهم نموده اما نیازمند در نظر داشتن ضوابط علمی و بینش‌های ناب و الهی است (بابایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص. ۱۶-۲۰) و در صورت رعایت نمودن اصول و قواعد درک متن گاه منجر به تعطیلی ظواهر و احکام قرآن کریم و درافتادن در معناپردازی‌های ناروا و وادی تفسیر به رأی شده است. (اشعری قمی، ص. ۸۳-۸۵؛ ابوزهره، ۱۳۸۴، ص. ۳۷۰) چنان که به گفته‌ی برخی محققان زبان اشاره‌ی صوفیان، زبانی بی‌بند و بار و نامنسجم نیست. بلکه زبانی است که در مرتبه‌ی بلند رمز و نماد جای گرفته و به همین سبب جنبه‌ی باطنی یافته است. موضوعی که نشانه‌ی واقع‌نگری اهل تصوف در بیان دیدگاه‌های خود بوده و توانسته است در زمانی کوتاه، اثری ماندگار از خود در جهان اسلام بر جای بگذارد. (نویا، ۱۳۷۳، ص. ۱۴) باری تفسیر عرفانی و دریافت اشارات معرفتی و هدایتی قرآن کریم یکی از پرآوازه‌ترین گونه‌های رویکرد باطنی به قرآن کریم است که با تاسی از رویکرد تمثیلی و رمزی قرآن (اسعدی، ۱۳۹۰، ص. ۲۵۰) سعی در بیان انفسی آیات آفاقی کلام الهی دارد. (آتش، ۱۳۸۱، ص. ۳۱۲) اهل

تحقیق، خاستگاه عرفان و تصوف را یک منشأ دانسته و هر دو را حاصل یک واقعیت تلقی نموده‌اند. با این تفاوت که عنوان تصوف را بیشتر به جنبه‌ی عملی و سلوک این مکتب و عنوان عرفان را به جنبه‌ی نظری آن ناظر دانسته‌اند. گویی در این مکتب، بینش بر دانش مقدم است و درون بر برون و حال بر قال، ترجیح دارد. (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۳۳۴) تجربه‌های درونی برآمده از مراقبات معنوی صوفیان، زمینه‌ساز شکل‌گیری دریافت جدید و فهم و شهودی نو از آیات قرآن و شکل‌گیری تفاسیری از سوی ایشان از سده‌ی چهارم تا نهم هجری شده است. (حاجی اکبری و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۳۱) تلاش‌هایی که بسته به زبان و نوع گفتمان انتخابی اهل اشارت در بیان کشف و شهود قرآن بنیان متفاوت می‌باشد. چراکه باوجود مشابهت مبانی هرمنوتیکی صوفیان در فهم قرآن، همچون چند لایه بودن آن، داشتن ظاهر و باطن، امکان کشف از لایه‌های باطنی، زبان و روش‌های تأویلی به کار گرفته شده در آن‌ها متنوع و متفاوت است. (سندز، ۱۳۹۷، ص. ۵). آثاری قابل توجه در میراث مکتوب تفسیر قرآن که با برگزیدن رویکردی تأویلی در تعامل با معجزه‌ی خاتم راهی نو در تعامل با کلام الهی را درنور دیده‌اند. نگرشی متمایز و آمیخته با شهود باطنی و بیان رمزی و اشاری که حتی توجه مفسران پایبند به ظواهر قرآنی همچون آلوسی را به خود معطوف داشته است.

۲-۱. تناسب میان تفسیر اشاری آلوسی و تفاسیر صوفیانه پیش از خود

وابستگی به مظاهر دنیوی و در افتادن در روزمرگی‌های کاهنده از جمله مهم‌ترین مسائلی است که جوامع انسانی از آن رنج می‌برند. در این میان برخی عالمان عارف مسلک با ارشاد خلق به جان عالم، و سفارش به عمل‌گرایی آخرت محور سعی داشته‌اند تا کمی از مرارت و اندوه سایه افکنده بر حیات آدمیان را زدوده و دریچه‌ای نوین از زندگی بنیان یافته بر دین حنیف و دوستی و محبت را بر ایشان بگشایند. تلاش‌هایی که گاه در تدوین آثار مستقل با رویکرد عرفانی دنبال شده و گاه در ضمن بیان کلام الهی و آثار تفسیری همچون تفسیر روح المعانی پی‌جویی شده است. آلوسی با وجود خاستگاه سلفی و عنایت ویژه به رعایت ساختمان الفاظ و عبارات قرآن کریم، به استقبال زبان چند لایه‌ای و گفتمان پیچیده‌ی اهل تأویل رفته و از خلال واکاوی تفاسیر آنان به اقتباس انوار برآمده از اشارات قرآنی می‌رود. روشی که در دو ساحت معناپردازی صحیح و سازوار اقوال بزرگان تصوف با قرآن و تبیین اصطلاحات قرآنی به شیوه‌ی اشاری توسط وی دنبال شده و در ادامه‌ی تحقیق پیش رو مورد ارزیابی و تبیین قرار می‌گیرد. آلوسی در گزارش اقوال و آرای بزرگان تصوف و اشارات تفسیری

آنان از شیوه‌های متعددی استفاده کرده است. او در مواردی چند به یادکرد اعلام تصوف و گزارش دیدگاه و کلام آنان به تناسب موضوع مطرح شده پرداخته است. در این میان اسامی و سخنان محیی الدین بن عربی، سهل تستری، ابوبکر الشبلی، عبدالوهاب شعرانی، عبد‌الکریم جیلی و شیخ خالد نقشبندی بیش از همه مشهود است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱ و ۶۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۴ و ۲۱۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۴۹ و ۳۴۰).

نگارنده روح المعانی گاه بدون تصریح به نام فرد با تعبیر «السادة الصوفیه یا بعض الصوفیه» به خاستگاه صوفیانه‌ی گفتار خویش اشاره می‌کند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۹۷؛ ج ۳، ص ۸۸؛ ج ۱۱، ص ۶۵؛ ج ۱۵، ص ۶۱) آلوسی همچنین در مواضعی به ذکر نام تألیفات بزرگان تصوف و مصدر گفتار آنان اشاره داشته است. آثاری همچون فتوحات مکیه ابن عربی، احیاء علوم الدین غزالی، الدر المنثور و الجواهر و الیواقیت شعرانی، رساله قشریه قشیری، الانسان الکبیر جیلی که در شمار منابع شناخته شده‌ی این عرصه می‌باشند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸۵؛ ج ۲، ص ۳۷۳؛ ج ۴، ص ۱۷۴؛ ج ۶، ص ۹۹؛ ج ۷، ص ۱۳۷)

پیش از بیان اقسام پردازش شایان ذکر است که روی آوردن آلوسی به تفسیر اشاری و کلام بزرگان تصوف، به معنای همگامی و همراهی تمام وی با ایشان نیست. چه در مواردی پس از بیان دیدگاه صوفیان، آن را صحیح ندانسته و به ارزیابی و نقد علمی و مستند پرداخته است. امری که از یکسو نشان توجه ویژه‌ی روح المعانی به سخنان اهل سلوک و اشارات تفسیری ایشان دارد اما از سوی دیگر دلیلی آشکار به استقلال رأی و نوپردازی‌های عرفانی این مفسر در تأویل مبتنی بر پابندی بر ظواهر قرآنی است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۴۰۵-۴۰۶؛ ج ۸، ص ۲۴۶-۲۴۷ و ۳۱۱) از جمله این موارد می‌توان به تفسیر وی از آیه‌ی {قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ مَا أَدْرِی مَا یُفَعَلُ بَیْ وَ لَا بِكُمْ إِنِّ أَنْتَبِعُ إِلَّا مَا یُوحَىٰ إِلَیَّ وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِیرٌ مُّبِینٌ} (احقاف، ۹) اشاره کرد. آلوسی در تفسیر این آیه پس از بیان لغوی واژگان و ساختار نحوی آیه به گزارش روایات پیرامونی آن می‌پردازد. سپس اقوال وارد شده درباره‌ی علم غیب پیامبر (ص) را نقل کرده و با وجود پذیرش علم غیب برای رسول خدا (ص)، این امر را منوط به خواست و افاضه‌ی پروردگار دانسته و در نظر گرفتن تفسیری مستقل برای خواگاهی پیامبر (ص) را منافی توحید قلمداد می‌کند. او در انجام گفتار خویش می‌افزاید که برخی از مدعیان تصوف - آلوسی با تعبیر «المتشیخین» از آنان یاد می‌کند - با هدف جلب مریدان،

ثروت‌اندوزی و دنیاداری مدعی علمی فراتر از علم غیب نبوی شده‌اند. سخنی گزاف که با آیه‌ی مورد بحث در تضاد بوده و قابل پذیرش نمی‌باشد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۱۶۸)

۲. پردازش صریح اصطلاحات صوفیان

باری پس از دریافت شیوه‌های گزارش دیدگاه‌های اهل تصوف در تفسیر روح المعانی، یادکرد پردازش‌گری‌های آلوسی از اصطلاحات به کار گرفته شده از سوی بزرگان تصوف در جای جای این اثر تفسیری مهم می‌نماید. امری که گاه به صورت صریح و با تکیه بر تعابیر مشهور صوفیان و گاه در ضمن بیان آیات قرآن در تفسیر روح المعانی انجام یافته است. در ادامه به تبیین شیوه‌ی نخست این تلاش پرداخته و روش پردازش ضمنی را در عنوان بعد دنبال خواهیم نمود. مهم‌ترین اصطلاحات یاد شده از اهل سلوک و بیان آن از سوی آلوسی در تفسیر روح المعانی به قرار زیر می‌باشد:

۲-۱. محبت

آلوسی همسو با صوفیان و در کاربستی مشابه با ایشان به بیان این اصطلاح شناخته شده پرداخته است. مقامی شامخ که خود غایت دیگر مقامات است. چه در نگاه اهل تصوف، دیگر مقامات همچون «شوق، انس، رضا» خود میوه و تابع مقام ارزنده‌ی محبت بوده و مقامات پیش از محبت همانند «توبه، صبر و زهد» نیز مقدمه‌ی تحقق محبت به شمار می‌آیند. (غزالی، ۱۳۴۶، ج ۳، ص ۲۵۷) آلوسی به هنگام بیان این اصطلاح پس از نقل ابیاتی از رابعه عدویه (عبدالقادر، ۱۴۱۳، ص ۲۸۰) یکی از مهم‌ترین زنان صوفی تأثیرگذار در تاریخ تصوف (رادفر، ۱۳۸۲، ص ۳) محبت را بر سه قسم دانسته است. نخست محبت عوام که برآمده از احسان منعم است و بسته به نعمت‌بخشی او متغیر می‌باشد. دوم، محبتی است که زاده‌ی شایستگی و بزرگداشت محبوب است. محبتی بادوام که تا ابد پا برجای می‌باشد. چراکه ریشه در دوام جمال و جلال سرمدی محبوب دارد. اما محبت سوم، از آن خواص است. جذبه ای الهی که نشان کمال معرفت محب بوده و سرانجام منجر به فنای و حیرت او می‌گردد. (آلوسی، ۱۴۱۵؛ ج ۲، ص ۱۳۶) کاربست تعابیر «جذبه‌ی الهی، فناء، حیرت و سکر» (غزالی، ۱۳۴۶، ج ۴، ص ۷۷؛ جرجانی، ۱۲۸۳، ص ۱۶۹؛ الفاروقی التهانوی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۵۴۳) و تقسیم سه‌گانه‌ی محبت همگی نشان از تفکر صوفیانه‌ی آلوسی در تفسیر واژه‌ی قرآنی حبّ در آیه‌ی {قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ} (آل عمران، ۳۱) دارد.

۲-۲. کرامت

کرامت، امر خارق عادت‌ی است که در شرع مقدس اسلام از سوی بندگان صالح خداوند صادر شده و همراه با دعوی پیامبری نمی‌باشد. (سفارینی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۳۹۲) صدور کرامات از سوی صالحان مسلمان امری است که مورد باور آلوسی بوده و در مواردی به آن اشاره دارد. از جمله‌ی آن اشاره به کرامت طی الارض است. کرامتی که با تعبیر «طی المسافه» در گفتار نگارنده روح المعانی این‌گونه بیان شده است: «قطع المسافه الطویله فی الزمن القصیر مما یکون کرامه لولی، و المشهور تسمیه ذلک بطی المسافه و هو من أعظم خوارق العادات»؛ پیمودن مسافتی بلند در زمانی کوتاه و کرامتی از آن ولی (خدا) است. (این کرامت) مشهور به طی المسافه است و از جمله‌ی بزرگ‌ترین نمونه‌های خرق عادت به شمار می‌آید. آلوسی این کرامت را به معجزه‌ی معراج و اسراء رسول مکرم اسلام (ص) پیوند داده و در جهت اثبات صحت آن به گزارش عباراتی از شیخ اکبر ابن عربی و شیخ عبد الوهاب شعرانی می‌پردازد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۴۸)

وی پس از تأکید بر صادر شدن کرامات و به صورت ویژه طی الارض از جانب نیکان باورمند به شریعت خاتم، با تکیه بر موضوع سرعت، باور متکلمانی همچون نظام معتزلی به ناروا بودن کرامت صالحان و استدلال آنان به مسئله‌ی تداخل جوهر (صفدی، ۱۴۲۰: ج ۶، ص ۱۲-۴۱) را به چالش کشانده و آن را نشان جهل ایشان دانسته است. او در فرجام، وجه اشتراک دو مفهوم معجزه و کرامت را مجهول بودن کیفیتشان دانسته و ایمان به صدور آن از جانب بندگان نیک کردار خداوند را لازم و چگونگی تحقق آن را به پروردگار واگذار می‌نماید. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۴۹)

۲-۳. الهام

الهام آن چیزی است که در قلب و ظرف وجودی آدمی به طریق فیض القا می‌شود. علمی یقینی که بی‌نیاز از حجت و استدلال بوده و دعوت‌گر به عمل است. (جرجانی، ۱۲۸۳، ص ۲۳) آلوسی مفهوم الهام را با تفصیلی بیش‌تر از دو مفهوم پیشین محبت و کرامت به هنگام تفسیر آیه‌ی «وَمَا كَانَ لَبِشْرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٍ» (شوری، ۵۱) تبیین نموده است. او با استناد به سخنانی چند از اهل عرفان، بر آن است که الهام زمانی رخ می‌دهد که فرد از نواقص بشریت برون رفته و همچون ارواح مجردة شایستگی شنیدن کلام حق را به دست آورد. حالتی اختصاصی به اولیای الهی که دربردارنده‌ی بشارت‌های حق تعالی است.

از این رو الهام تنها به خیر اختصاص یافته و قرابت با وحی دارد. با این تفاوت جوهری که نزول وحی به پایان رسیده و دیگر ملکی بر غیر نبی نازل نمی‌شود. بنابراین الهام همان ارتباط منقطع ولی با ارواح ملکیه است. از این رو کامل‌ترین درجه‌ی الهام آن است که فرد را به پیروی از شرع و پایبندی به حدود و اوامر الهی وادارد تا آن زمان که از بیش از پیش از نواقص و محدودیت‌های بشری رهایی یافته و خود انعکاس و پژواکی از نفحات خداوندگار شود. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۶۰-۶۱) آلوسی پس از نقل عبارت‌هایی از بزرگان تصوف، بر این مسئله تأکید می‌نماید که الهام نزد صوفیه حجت به شمار نیامده و بی‌توجهی به این نکته زمینه‌ساز گمراهی افراد متعددی شده است. چه الهام هیچ‌گاه حلالی را حرام و یا حرامی را حلال نمی‌کند بلکه همواره در مسیر شریعت گام برداشته و به اندازه دانه‌ی جویی نیز با آن مخالفت نمی‌کند. هر آن‌چه با شریعت مخالفت کند، مردود است و هر حقیقت‌نمایی که شریعت آن را رد نماید، ره زندقه را پوییده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۴۰)

۲-۴. کشف

کشف، نوری است که برای سالک در مسیر سیر به سوی خداوند حاصل می‌شود. روشنایی که در پرتو آن حجاب‌ها زدوده شده و اسباب مادی کنار می‌رود. (عبدالقادر، ۱۴۱۳: ۲۲۸) حالتی که خود ثمره‌ی مجاهدت، خلوت و ذکر بوده و به بیان اهل تحقیق فراستی را به سالک می‌بخشد که منجر به مکاشفه‌ی یقین و معاینه‌ی غیب می‌شود. (ابوغزاله، ۱۴۱۲، ص ۱۳۴-۱۳۵) آلوسی، کشف را یکی از منابع کسب معرفت نزد صوفیه به شمار می‌آورد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۷) به بیان او، کشف مایه‌ی روشنایی مؤمن به نور الله است و بیشتر آن‌چه از بزرگان تصوف درباره تفسیر قرآن نقل می‌شود، زاده‌ی همین کشف است. کشفی که برآمده از کمال ایمان و عرفان محض که منجر به جوششی درونی در وجود سالک شده و اشاراتی دقیق را بر زبان وی جاری می‌سازد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸۰) یکی از جلوه‌های کاربردی کشف به عنوان یکی از مصادر معرفتی در تفسیر اشاری قرآن، تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ» در آیه‌ی نخست سوره‌ی فاتحه است. وی پس از بیان وجوه صرفی، نحوی، بلاغی و بیان واژگان این آیه به گزارش عبارت‌هایی از بزرگان تصوف و سالکان طریق نقشبندی می‌پردازد. جملاتی در بیان متعلق محذوف بآء جارّه، آن‌گونه که «بسم» خبر است برای مبتدای مقدر «ابتداء العالم و ظهوره»، برداشتی که بیش از آن که ریشه در نکته‌پردازی‌های صرفی و نحوی داشته باشد، بازگشت به کشف می‌کند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۲) او همچنین در بیان واژه‌ی «الله» به گزارش عبارتی از

فتوحات محی الدین بن عربی پرداخته است. عبارتی که فارغ از بیان ریشه‌ی این واژه و اصل لغوی آن، این کلمه را واجد فراز و فرودهایی همچون ظهور و بروز الف، سکون و حرکت دو لام و وجود حرکت و سکون در کلمه دانسته که به بیان ابن عربی و تأکید آلوسی، بیانگر اشاراتی است فراتر از ظاهر و جز کشف اهل عرفان آن را در نمی‌یابند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۱)

۳. پردازش ضمنی مفاهیم قرآنی

پردازش ضمنی آلوسی از مفاهیم قرآنی در دو ساحت انجام یافته است. صورت نخست، تبیین واژگان قرآنی کلیدی یا همان مفردات قرآن با رویکرد اشاری و شیوه‌ی دیگر پردازش اشاری آیه‌ی مورد تفسیر بدون تأکید بر کلمه‌ای خاص است. آن‌طور که نگارنده‌ی روح المعانی گاه بدون تأکید بر واژه‌ای خاص، تنها به ارائه‌ای برداشتی اشاری از مجموعه‌ی عبارات آیه می‌پردازد. در ادامه به منظور تحلیل دقیق‌تر پردازش‌گری اشاری آلوسی به تفکیک صوری این دو نمود پرداخته و تحقیق را به انجام می‌رسانیم.

۳-۱. پردازش اشاری واژگان

بیان اشاری و تأویل مفردات قرآنی پس از یادکرد ریشه‌ی واژگان و کاربست آن در تفسیری ظاهر کلام الله امری رایج در تفسیر روح المعانی است. در این بخش با در نظر داشتن محدودیت کمی نوشتار حاضر بر پنج واژه‌ی کلیدی جهت بیان پردازش اشاری آلوسی اکتفا نموده و همچون عنوان پیشین سعی در آشکارسازی معناپردازی اشاری تفسیر روح المعانی می‌نماییم.

الف) انفاق

ریشه واژه‌ی انفاق «ن ف ق» است و در معانی از میان رفتن، کاستن و پوشاندن به کار رفته است. گویی مال‌بخشی را از ان جهت انفاق نامیده‌اند که در ظاهر به کم شدن و به پایان رسیدن مال می‌انجامد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۸۱۹) اما قرآن کریم و به دنبال آن روایات اسلامی انفاق را درباره‌ی اعطای مال یا هر داشته‌ی ارزشمندی به نیت الهی به نیازمندان به کار برده‌اند و بر آن تأکید کرده‌اند. بخششی که نه تنها منجر به نقصان و کاستی نمی‌شود بلکه زمینه‌ساز رشد روزافزون داشته‌های مؤمن و پیش‌گیری از هلاکت جمعی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۷-۳۸) آلوسی به هنگام تفسیر آیه‌ی {مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ} (بقره، ۲۶۱) پس از ارائه‌ی تفسیری مفصل از

آیه و گزارش اقوال مفسران، جنبه‌های ادبی و روایات تفسیری با تعبیر «و من باب الإشارة فی الآیات أنها اشتملت علی ثلاثة انفاقات» به بیان اقسام انفاق و دامنه‌ی ظهور و بروز آن می‌پردازد. تقسیمی سه‌گانه و در سه مرتبت برای انفاق که از این قرار است: نخست انفاق در راه خداست. انفاقی رخ نموده در عالم ملک که تجلی افعال الهی و بخشش‌های لایزال پروردگار و این چنین در کلام الهی وصف شده است: {الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ} (بقره، ۲۶۱) نوع دوم انفاقی است که حاصل مشاهده‌ی صفات الهی بوده، با هدف کسب رضای خداوند متعال صورت پذیرفته و در آیه‌ی {الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ} (بقره، ۲۶۵) بدان اشاره شده است. اما قسم سوم انفاق بسی والاتر از دو نوع دیگر است. انفاقی که در مقام شهود ذات الهی رخ نموده و مایه‌ی آن انفاق نفس پس از تزکیه‌ی آن است. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ} (بقره، ۲۶۱) (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۱)

ب) کرسی

آلوسی هنگام تفسیر آیه‌ی {وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ} (بقره، ۲۵۵) به تبیین معنای واژه‌ی «کرسی» پرداخته است. او ابتدا به گزارش روایت‌هایی از پیامبر اکرم (ص)، اصحاب و تابعان پرداخته و بر این اساس معانی «جسمی در پیشگاه عرش الهی و محیط بر آسمان‌های هفت‌گانه، چیزی وسیع‌تر از آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه، عرش الهی، قدرت الهی، تدبیر خداوند، فرشته‌ای از فرشتگان، مجاز از علم الهی، مُلک الهی» را ذکر می‌کند. آن‌گاه به معناشناخت لغوی این واژه پرداخته و کرسی را چیزی معرفی می‌نماید که بر آن می‌نشینند و بیان می‌دارد که این واژه در کلام الهی بر سبیل استعاره تمثیلی به کار رفته است. روح المعانی پس از یادکرد موارد یاد شده این نکته را بیان می‌کند که پراکندگی معانی یاد شده برای «کرسی» سلف صالح را بر آن داشته که این واژه و آیات پیرامونی آن را از متشابهات بدانند و علم به آن را به خداوند متعال تفویض نمایند. او در انجام بحث خود دیدگاه عارفان را یادآورد می‌شود که براساس باور ایشان، کرسی همان مظهر تمامی صفات فعلیه خداوند است. محل نفوذ امر و نهی و ایجاد و اعدام (قدمین) که از نظر عینی و حکمی تمام آسمان و زمین را فراگرفته است. چراکه وجود تمام آن‌ها مقید به آثار صفات فعلیه خداوندگار است که در کرسی تجلی یافته است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱)

پ) روح

تفسیر روح المعانی ذیل آیه‌ی {وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا} (اسراء، ۸۵) به بیان واژه‌ی «روح» پرداخته است. او نخست بر اهمیت پرسش از روح و جاری بودن این سؤال در تاریخ حیات بشر سخن می‌گوید. سپس به گزارش اقوال هفتگانه سلف با محوریت روح بشری، مخلوقی عظیم، برتر از فرشتگان، فرشته‌ی وحی و قرآن در تفسیر این واژه می‌پردازد. آلوسی در ادامه در پی بیان ضمیر در «يَسْأَلُونَكَ» برآمده و تفاسیر مطرح شده درباره پرسش‌گری یهود و مشرکان قریش درباره روح از پیامبر اکرم (ص) و اهمیت بیان وحی درباره‌ی این مفهوم مهم را بیان کرده است. وی در انجام، اقوال سلف، متکلمان، فلاسفه مسلمان و غیر مسلمان و صوفیه را در شش موضوع اصل کیفیت آفرینش روح، اختلاف در حدوث و قدم روح، اتحاد یا افتراق روح و بدن، مرگ و حیات روح، تمایز ارواح پس از مفارقت از بدن‌ها و جایگاه روح پس از مفارقت از بدن با استناد به آثار بزرگانی همچون افلاطون، ارسطو، ابن سینا، ابن قیم، ابن جوزی، غزالی، راغب اصفهانی، شیخ مفید و معمر بن عباد السلمی معتزلی پی‌جویی کرده است. اما شاهد رویکرد اشاری و گفتار صوفیانه، سخن آلوسی ذیل بحث سوم و ششم است. در بحث سوم نفس را اصل و اساس انسان قلمداد می‌کند. وی بر آن است که نفس مراتب چهارگانه‌ی؛ (۱) تهذیب ظاهر با پایبندی به شریعت و انجام نماز و روزه و غیره، دیگر عبادات، (۲) تهذیب باطن از ملکات و اخلاق پست و ناپسند، (۳) آراستگی و تحلی به صور قدسی و (۴) فنا از خود و ملاحظه‌ی جلال الهی را می‌پیماید. سرانجام پس از طی کردن این مسیر و مراتب و صیقل یافتن با ریاضت، انواع ذکر و فکر، ارتقا یافته و مبدل به روح و سری از اسرار الهی می‌شود. روحی که به تعبیر برخی محققان صوفیه به آخرت و سعادت جاودان فرامی‌خواند و از دام شهوت‌ها و خواسته‌های دنیوی رسته است. نکته پردازش صوفیانه دیگر آلوسی ذیل بحث ششم و تمایز روح آدمیان با حیوانات است. وی با ذکر دو روایت «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» و «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» از نبی مکرم اسلام (ص)، برداشت و پیوند آن دو از سوی صوفیه را اشارتی شایسته‌ی توجه و دقت دانسته و با بیان عبارت «فَافْهَمِ الْإِشَارَةَ وَ لَعَمْرِي هِيَ عِبَارَةٌ» با این دقت صوفیان همراه شده و مخاطب را به تمایز آفرینش انسان در میان مخلوقات و نکته‌پردازش مبتنی بر روایت اهل تصوف توجه داده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۴۶-۱۵۶)

ت) ربوبیت

ابوثناء آلوسی در تفسیر آیهی {الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ} (الفاتحه، ۲) به معناشناسی واژه‌ی «ربّ» و بیان جایگاه آن پرداخته است. او عبارت خود را در تفسیر این آیه را نخست با عبارتی از «جنید بغدادی» سرسلسه دار بسیاری از فرق صوفیه و از پیشگامان تصوف عراق (عطار نیشابوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۶۳) آغاز می‌کند. گفتاری که نشان از اهمیت ویژه ستایشگری به وصف ربوبیت الهی در ابتدای مسألت از درگاه خداوندی دارد. سپس به مفهوم شناخت واژه‌ی «حمد» و وجوه تمایز آن با واژگان متقارب «مدح، ثناء، شکر، تسبیح و تعظیم» و چرایی انجام آن از سوی انسان می‌پردازد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۷۰-۷۲) اما بخش مورد توجه این نوشتار پردازش اشاری آلوسی از واژه ربّ و مفهوم ربوبیت است. آلوسی واژه‌ی ربّ را صفت مشبّهه از اصل «تربیه» بازگردانده و مصدر تربیت را رسیدن تدریجی هر چیز به کمال خود براساس استعداد ذاتی دانسته است. وی می‌افزاید که کاربست واژه «ربّ» به صورت مطلق اختصاص به باری تعالی داشته و به کارگیری آن در قرآن کریم درباره غیر خدا (یوسف، ۲۳، ۵۰ و ۱۰۰) ویژه‌ی همان دوران است. آلوسی در ادامه به بیان راز آغازگری دعا با ندای «یا ربّ» را بیان کرده و این‌گونه به عرصه‌ی تفسیر اشاری این آیه وارد می‌شود. وی با استفاده از دو تعبیر «أرباب الظاهر» و «سادتنا الصوفیه» به بیان تفسیر و تأویل واژه‌ی «ربّ» می‌پردازد. بر این اساس أرباب ظاهر (مفسران)، دعا را همان درخواست دعاکننده در جهت صلاح و تربیت نفس می‌داند. فرایندی که با درخواست و مسألت داعی آغاز گشته و در ادامه اجابت مربی و بازشدن ابواب رحمت را به دنبال دارد. اما در نگاه بزرگان صوفیه، به تناسب مقام و جایگاه ایشان، تعبیر چندی درباره‌ی دعا و رمز و راز استفاده از کلیدواژه‌ی «ربّ» وجود دارد که همگی نوری همسان را به همراه دارد. آن‌گونه که ارواح نخستین چیزی را که با آن عطرآلود شده و به گوش جان سپردند، ندای وصف ربوبیت الهی است که آیه‌ی {وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ} (اعراف، ۱۷۲) به آن اشارت دارد. و این نخستین نام و عهدی است که بدان اقرار کردند و با آن مانوس شدند و به گاه سختی‌ها و بن‌بست‌ها متوجه آن شده و حبیب اول خود را یاد می‌کنند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۸۰-۸۳)

۲-۳. پردازش اشاری آیات

در این بخش از تحقیق به یادکردی مواردی از پردازشگری تفسیر روح المعانی می‌پردازیم که حیثیتی متفاوت از دو قسم پیشین دارد. نخست این که همچون بخش اول - پردازش صریح - آلوسی بر اصطلاح و واژه‌ای خاص از صوفیان تمرکز ننموده است. و دیگر آن که همچون قسم نخست بخش پردازشگری ضمنی، هیچ اشاره‌ای به تقسیم دوگانه‌ی تفسیر ظاهری و باطنی، تفسیر و تأویل و یا ذکر واژگانی همچون «محقق‌ی الصوفیة»، «سادتنا الصوفیة» یا نقطه‌ی مقابل «ارباب الطواهر» که نشان‌گر رویکرد اشاری وی باشد وجود ندارد. بلکه به صورت مقطعی و به هنگام بیان برخی آیات، به صورت خودکار و موجز می‌توان اشارت‌هایی را دریافت که بازگشت به خاستگاه تصوف و تعلق آلوسی بدان دارد. در ادامه به ارائه‌ی چهار نمونه از موارد پردازشگری ضمنی آیات توسط آلوسی می‌پردازیم. بر محققان گرامی پوشیده نیست که واکاوی تفسیر روح المعانی خوانندگان گرامی این مقاله را به نمونه‌های بیشتری رهنمون خواهد ساخت.

الف) نمونه اول

آلوسی در تفسیر آیه‌ی {وَأَعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ} (بقره، ۲۸۶) پس از بیان نکات ادبی، قرائت، روایات و مسائل تفسیری مرتبط با آیه، با مشرب‌ی اشاری به بیان فرازهایی از این آیه می‌پردازد. «وَأَعْفُ عَنَّا» پروردگارا از زشتی‌های افعال و صفات ما درگذر، زیرا آن‌ها حجاب و مانعی میان ما و تو می‌شوند. حجابی که خنکای وصال و لذت رضوان تو را بر ما حرام می‌کنند. «وَأَغْفِرْ لَنَا» گناهان وجود ما را ببخش که این خودبینی بزرگ‌ترین گناهان است. «وَأَرْحَمْنَا» ما را پس از فنا، وجودی شایسته از جانب خود عطا فرما. «أَنْتَ مَوْلَانَا» تو آقا و متولی کارهای ما هستی، چه ما همگی مظاهر و آثار قدرت تو هستیم. «فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» ما را در رویایی با قوای نفس‌های امّاره و صفات ناپسند آن و سپاهیان شیاطین اوهام خویش که پرده‌ای کفرآلود و ستم‌بنیان میان ما و تو است، یاری بخش. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶۹)

ب) نمونه دوم

نمونه‌ی دیگر تفسیر اشاری آلوسی، تفسیر آیه‌ی {أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً

لِلنَّاسِ وَ أَنْظِرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره، ۲۵۹) است. آیه‌ای پیرامون فردی است الهی که پس از صدسال، دیگر بار برانگیخته و به حیات دنیا بازگشت تا نشانی بر حقانیت معاد و نمادی از رستاخیز سراسری قرار گیرد. آلوسی همچون شیوه‌ی جاری در روح المعانی آیه را از جهات گوناگون مفردات، اعراب، سیاق و ارتباط با مقابل، قرائت، روایات و تفاسیر مطرح شده مورد تحلیل قرار می‌دهد. مسائلی پیرامون «الذی» و فرد مورد بحث، «قریه» آبادی که واقعه در آن رخ داده، «اماته» میراندن یا خواباندن فرد که هریک به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. اما تفسیر اشاری آلوسی از این آیه با مقابله‌ای همزمان میان ظاهر و باطن الفاظ محوری آیه انجام گرفته است. «الذی» عزیز است و «قریه» همان قلب اوست که بیت المقدس است. خانه‌ای ویران که به تجلی حق تعالی دیگر بار احیا گشت. «فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً عَامٍ» خداوند متعال او را پس از سالیان متمادی باقی ماندن بر جهل که در واقع هشت سال و چهار ماه یا بیست و پنج سال بود، «ثُمَّ بَعَثَهُ» به حیات راستین درآورد. «يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» زمانی که در مقایسه با حیات ابدی بسیار کوتاه و ناچیز است. سپس طعام و مرکب او را که همان عامل حیات و قالب حامل قلب او بود، مهیا نمود. آن‌طور که «ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا» بر او لباس عرفان پوشاند و از آن به گوشت تعبیر کرد. زیرا هرچه جان با غذاهای شهود سیر و از نوشیدنی‌های وصال سیراب گردد، گوشتش نیز رشد یافته و زیادت یابد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۶)

پ) نمونه سوم

نمود دیگر پردازش اشاری قرآن کریم در تفسیر روح المعانی بیان آیه‌ی {لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ} (بقره، ۲۵۶) است. آیه‌ی ملحق به آیه‌ی الکرسی که همین قرین بودن و ذکر ادله‌ی عقل بنیان و جان پسند توحید در آن بیان‌گر این حقیقت است که اکراه در دین راه ندارد. به گفته‌ی ابونثاء آلوسی این اکراهی نبودن دین به سبب همراهی‌اش با نور فطرت است، نوری فطرت‌گزین که دستمایه‌ی هدایت است و راه را بر هرگونه اکراه و ناخوشایندی می‌بندد. چراکه راه یکتای رشد با نظر اعتبار و پندآموزی از سرگذشت طاغوت، تبیین گشته و آشکار شده و در فرجام ایمانی حقیقی و شهودی را به بار نشانده که منجر به تمسک و چنگ‌زدن به وحدت ذاتی شده است.

ت) نمونه چهارم

نمونه‌ی پایانی گفتار اشاری آلوسی در تفسیر آیه‌ی {وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زُنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا} (اسراء، ۸۵) است. آیه‌ای که در کنار احکام متعدد یاد شده در این سوره در راستای پیش‌گیری از آسیب کم‌فروشی نازل شده و از آن تحذیر نموده است. آلوسی پس از بیان ظاهر آیه و اهمیت پیش‌گیری از کم‌فروشی، به تأویل آیه پرداخته و آن را داخل در رابطه‌ی مشایخ و سالکان تعبیر نموده است. بیانی لطیف که در عین پابندی به ظواهر، لطایف و اشارات ارزشمندی را دربردارد. نگارنده روح المعانی بر آن است که «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ» اشاره‌ای به مشایخ است که به گاه دریافتن سالک مستعد، کم نگذارند و او را از دریافت فیوضات قلبی محروم ننمایند. همچنین «زُنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ» نیز اشاره‌ای دیگر بار به راهبران طریق است که اعمال مریدان را بر شریعت که معیاری و میزانی سلیم است عرضه دارند و آنان را از درافتادن در خطر اباحه‌گیری و شریعت‌گریزی برهانند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۱۹)

نتیجه‌گیری

قرآن کریم معجزه جاودان و میراث ماندگار برای سعادت‌مندی بشریت در دنیا و سرای ماندگار است. گنجینه‌ای بی‌نظیر که به میزان بهره‌مندی از دریای علم و صفای باطن راهگشای مخاطبان خود خواهد بود. پژوهش حاضر به قدر توان و توفیق فرصت پیش آمده، موضوع «بازشناسی پردازش اشاری مصطلحات متصوفه در تفسیر روح المعانی» را کاویده و به نتایج ذیل دست یافته است:

۱. تفسیر «روح المعانی» از تفاسیر گرانسنگ به یادگار مانده در میراث علمی جهان اسلام با رویکرد جامع و رنگ و بوی ادبی و کلامی در دوران متأخر است. منبعی که با وجود نوآوری‌های نگارنده، به سبب فقدان تحلیل صحیح، گاه از سوی برخی، تنها به عنوان اثری گزیده‌انگارانه از منابع تفسیری و ادبی پیش از خود تلقی شده و جنبه‌های بدیع آن مورد غفلت واقع شده است. بازشناسی پردازش اشاری مصطلحات صوفیه در تفسیر روح المعانی، یکی از زمینه‌های مناسب برای آشکار کردن شایستگی‌های این اثر تفسیری است.

۲. آلوسی گرچه در زوایای متعددی از تفسیر خود باورمند به راه و روش سلف صالح است و از سوی محققان به عنوان مفسری سلفی شناخته شده اما واکاو تفسیر روح المعانی نشان از آن دارد که او در مواجهه با صوفیان راهی متمایز را پیموده است. آن طور که با اطلاع از مشرب و ذوق اشاری

سلیم متصوّفه، کشفیات آنان و اشارات تفسیری را که همگام با شریعت و به دور از آفات و اوهام باشد را پذیرفته و بر آن صحّه نهاده است. وی با تمایز نهادن میان صوفیان راستین و اهل علم با متشیخین به صوفیه، میان تفسیر اشاری صحیح و سقیم فرق نهاده و با وجود گزارش و کاربرست تفاسیر اشاری سازگار با ظواهر قرآن و سنت، خوانندگان تفسیر خود را از پی‌جویی ذوقیات و گفتارهای ناصواب پیرامون قرآن تحذیر نموده است.

۳. تفسیر اشاری رخ نموده در روح المعانی و تأویل آیات قرآن در این دائرة المعارف تفسیری، همواره پس از بیان ظواهر قرآن و یادکرد عناوین شناخته شده در کتب تفسیری همچون لغت، ادبیات عرب، روایات تفسیری، قرائت و اقوال مفسران صورت پذیرفته است. همچنین سازگاری تأویل و تفسیر در این اثر بیش از همه بر خوانندگان آشکار است. امری که در دو ساحت پردازش ضمنی و صریح در این تحقیق عرضه شده است. آلوسی حتی در مواضعی از تفسیر خود که به تبیین اصطلاحات شناخته شده‌ی صوفیه همچون «محبت، کرامت، الهام، کشف» پرداخته از مأموریت اصلی خویش که رویکرد قرآن‌بنیان به این مفاهیم است غافل نشده و سعی در ارائه‌ی بیانی سازوار می‌نماید.

۴. روح المعانی گرچه در موارد چندی از تفسیر اشاری خود، با کاربرست تعبیر «سادتنا الصوفیه» و یا اشاره به اسامی صوفیان شناخته شده، به پردازش اشاری آیات قرآنی پرداخته اما تلاش خود را محدود به گزارش‌گری تفصیلی ننموده است. بلکه در مواضعی بدون یادکرد نام فرد و یا گروه صوفیان، خود به پردازش‌گری اشاری کلام وحی پرداخته است. امری که نشان‌گر تعلق خاطر وی به باطن آیات و استقرار رویکرد تأویل‌گرایانه در روش تفسیری ابوثناء آلوسی داشته و این موضوع به صورت آشکار پاسخگوی مدعیان، پرهیز آلوسی از تفسیر اشاری است. چه وی در این موارد گویی به صورت خودجوش و به دور از هرگونه الزام برونی ناخواسته به تأویل‌گری کلام وحی پرداخته و این مهم را بر خود فرض نموده است.

۵. واکاوی و بازخوانی مجدد آثار تفسیری به عنوان منابع غیر مستقل در حوزه‌ی عرفان اسلامی امری شایسته‌ی تتبع و پی‌جویی برای اهل تحقیق است. از این رو مقاله‌ی حاضر با تلاش در جهت شناسایی ابعاد اشاری تفسیر روح المعانی سعی بر ره‌گشایی این مسیر نموده است. چه با وجود ارزشمندی منابع معرفی‌کننده روش‌ها و گرایش‌های مفسران، تقلید از گفته‌های نگارندگان این تألیفات منجر به بسته شدن راه پژوهش و ارزیابی دقیق محتوای تراث تفسیری می‌گردد و تحلیل

محتوای تفسیر روح المعانی و رویکرد اشاری آلوسی در آن، نقطه‌ی آغازی برای این کوشش گسترده است.

منابع

قرآن کریم

آتش، سلیمان. (۱۳۸۱ش). «مکتب تفسیر اشاری»، ترجمه توفیق هد سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

آلوسی، محمود بن عبد الله. (۱۴۱۵ق). «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابوزهره، محمد. (۱۳۸۴ش). «تاریخ مذاهب اسلامی»، ترجمه علیرضا ایمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.

ابوغزالی، حازم نایف. (۱۴۱۲ق). «أسئلة و أجوبة عن التصوف»، عمان - اردن: دار الامام النووی.
اسعدی، محمد. (۱۳۹۰ش). «آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۶۰ش). «المقالات و الفرق»، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۶ش). «مکاتب تفسیری»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
بخاری، عبد الله بن بوشعیب. (۱۴۲۰ق). «جهود ابی الثناء الالوسی فی الرد علی الرافضة»، القاهرة: دار ابن عفان.

البيطار، عبد الرزاق. (۱۴۱۳ق). «حلیة البشر فی تاریخ القرن الثالث عشر»، بیروت: دار صادر.
پورت، جان دیون. (۱۳۸۲ش). «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن»، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران: اطلاعات.

جرجانی، علی بن محمد. (۱۲۸۳ق). «التعريفات»، مصر: المطبعة الوهبيية.
جنید، عبد الله ربیع. (۱۴۳۲ق). «منهج الشيخ الالوسی فی تفسیره روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی»، الجامعة الاسلامیة غزه کلبه اصول الدین قسم التفسیر و علوم القرآن، رسالة الماجستير.

حاجی اکبری، فاطمه، مهدوی راد، محمد علی، ستار، حسین. (۱۳۹۷ش). «بررسی اصطلاح تطبیق در تأویلات کاشانی»، مطالعات عرفانی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، شماره ۲۷، ص ۳۱-۵۴.

حمدان، اکرم علی. (۲۰۰۶). «الجانب الصوفی فی تفسیر روح المعانی»، مجله الجامعة الإسلامية (سلسله الدراسات الإسلامية)، المجلد الرابع عشر، العدد الثاني، ص ۷۵-۱۲۸.

الخانی، عبد المجید بن محمد. (۱۹۹۷م). «الکواکب الدریه علی حدایق الوردیه»، دمشق: دار البیروتی. الدروبی، ابراهیم عبدالغنی. (۱۹۵۸). «البغدادیون أخبارهم ومجالسهم»، بغداد: مطبعة الرابطة.

الذهبی، محمد حسین. (۱۳۹۶ق). «التفسیر و المفسرون»، بیروت: دار المعرفة. رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۲ش). «آن نایب مریم صغیه، آن مقبول رجال، رابعه عدویه»، فصلنامه فرهنگ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۴۸، ص ۳-۲۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). «مفردات الفاظ القرآن»، بیروت: دار الشامیة.

رحمتی، سید مهدی، جمشیدی مهر و محبتی. (۱۴۰۲ش). «تحلیل عبارات متضمن تحقیر در آیات قرآن با تأکید بر آراء ادبی - تفسیری آلوسی»، دو فصلنامه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، سال هفتم شماره اول، پیاپی دوازدهم.

الزرقانی، محمد عبد العظیم. (۱۳۷۲ق). «مناهل العرفان فی علوم القرآن»، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.

الزرکلی، خیر الدین. (۲۰۰۲). «الأعلام»، بیروت: دار العلم للملایین.

زهد، عصام و جمال الهوبی. (۱۴۱۹ق). «التفسیر و مناهج المفسیرین»، غزه: مطبعة المقداد.

سفارینی، محمد بن احمد. (۱۴۰۲ق). «لوامع الأنوار البهیة و سواطع الأسرار الأثریة لشرح الدرّة المضيئة فی عقد الفرقة المرضیة»، دمشق: مؤسسة الخافقین و مکتبته.

سندوز، کریستین. (۱۳۹۷ش). «تفاسیر صوفیانه قرآن؛ از سده چهارم تا نهم»، ترجمه زهرا پوستین دوز، تهران: حکمت.

شیخو، الاب رزق الله. (۱۹۹۱). «تاریخ الآداب العربیة فی القرن التاسع عشر والرابع الأول من القرن العشرين»، بیروت: دار المشرق.

صغدی، صلاح الدین. (۱۴۲۰ق). «الوافی بالوفیات»، بیروت: دار احیاء التراث.

- عبدالقادر، عیسی. (۱۴۱۳ق). «حقائق عن التصوف»، بغداد: مطبعة النواعیر.
- عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۶ش). «تذکره الاولیاء»، تهران: زوار.
- غزالی، ابوحماد محمد. (۱۳۴۶ق). «احیاء علوم الدین»، بیروت: دارالمعرفة.
- الفاروقی التهانوی، محمد بن علی. (۱۹۹۶م). «کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم»، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- محسن عبد الحمید. (۱۹۹۲). «الإمام أبو الثناء الأکوسی»، بغداد: دار الشؤون الثقافیة.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۹ش). «تفسیر و مفسران»، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- نویا، پل. (۱۳۷۳ش). «تفسیر قرآنی و زبان عرفانی»، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی